

## دوران پهلوی نه تخصصی وجود داشت و نه تعهدی

۴ اردیبهشت ۱۳۹۴ ساعت ۲۳:۳۲

جایگاه تعهد و تخصص به عنوان دو مقوله مهم در تمام جوامع دنیا دارای یک روند تاریخی و اجتماعی است. به گونه ای که هر جامعه ای متناسب با پیشینه تاریخی خود برخوردی متفاوت با این دو مقوله بسیار مهم را دارد. همین امر بهانه ای شد تا این دو مقوله مهم را از دریچه تاریخ مورد واکاوی قرار دهیم. بنا بر این گفتگویی را با کارشناس تاریخ معاصر ایران جناب آقای سلیمی‌نمین ترتیب داده ایم که در ادامه می خوانید.

به نظر شما دو مقوله تعهد و تخصص چه رابطهای با هم دارند؟ این دو مقوله ارتباط تنگاتنگی با هم دارند؛ بدین معنا اگر شما یک توانمندی علمی یا قابلیت خاصی داشته باشید، این قابلیت زمانی مسیر درستی پیدا میکند که از تعهد کمک بگیرد. یعنی تعهد است که به مجموعه معلومات شما جهت میدهد که این علم را در خدمت بشر یا ضد آن به کار بگیرید. آن طرف هم همینطور است شما اگر تعهدی به ملت خودتان داشته باشید، یعنی احساس علقه و انگیزه برای کار داشته باشید اما علم و توانمندی نداشته باشید، این تعهد شما فایده‌ای نخواهد داشت و قادر نخواهد بود که گامی در جهت حل مشکلات جامعه بردارد یعنی اینجا تعهد میتواند به ضد خودش هم تبدیل شود. وقتی که شما علم نداشته باشید برخی میتوانند از تعهد شما بهره‌برداریلهای سوء بکنند کمالینکه ما این مقوله را در خیلی از مقاطع تاریخی شاهد بوده‌ایم. آدمهای دارای تعهد اما فاقد علم، هدایت‌شان به دست کسانی می‌افتد که دارای علم و اطلاعات بیشتری هستند. افراد متعهد بی تخصص انگیزه دارند کار مثبت انجام بدهند و در جهت خدمت به هم‌نوع کار کنند اما چون در تاریکی حرکت میکنند و در شرایطی که دیگران روشنایی دارند و از روشنایی علمی برخوردارند میتوانند از انگیزه‌های آنها بهره ببرند.

رابطه بین دو مقوله تعهد و تخصص را در تاریخ معاصر ایران خصوصا دوران پهلوی چگونه می‌بینید؟ در دوران پهلوی نه تخصص بوده و نه تعهد، به میزانی که دیکتاتوری تشدید می‌شد حتی آدمهای متخصص را هم تحمل نمی‌کردند چون هرچه انسان دارای تخصص بیشتری باشد برای خودش یک شأنی قائل است. اما فرد گاهی اوقات این شأن خودش را گران می‌فروشد اما در استبداد، دارای که کسانی از بسیاری، پهلوی استبداد در بنابرین، کندم‌پایمال را به‌انسان شئون استبداد اصلا خردندم‌پایمال گران را افراد شأن علم بودند اما تعهد نداشتند هم زیر پا گذاشته شدند. امثال انتظامیها، علی امینیها، ابتهاجها...

به هر حال از این افراد استفاده‌های زیادی شده در دوران پهلوی کسی مانند ابتهاج بنیانگذار سیستم بانکی جدید در عصر پهلوی بود. اینطور نیست؟ شما باید به این نکته توجه داشته باشید که در نهایت زیر پا گذاشته شدند و به انجای مختلف، حذف شدند. هرچه استبداد در جاتش بیشتر می‌شد حتی افراد داری علم هم حذف می‌شدند.

منظور شما این است که دوران پهلوی برای بقای خودش نه به تعهد تکیه داشت نه به تخصص و صرفاً به نیروی استبدادی خود متکی بود؟ برای بقای خود نیاز به کارشناسان خارجی داشت. استبداد وقتی که رشد می‌کند بهلشدت متزلزل می‌شود یعنی بهلشدت نگران است که مبادا یک کس دیگری پیدا شود که قویتر از او باشد و جای او را بگیرد و به میزانی که اتکایش به بیگانه بیشتر می‌شود نسبت به رشد یافتن افراد توانمند داخل، خائف می‌شود یعنی یک خوفی همیشه دارد که مبادا یک فردی در داخل کشور پیدا شود و توجه بیگانهای که او را روی کار آورده به خودش جلب کند. همین مسئله موجب می‌شود فردی مانند رزم‌آرا که یک شخص صرفاً متخصص در ارتش است و در عین حال متعهد به بیگانه لذا پهلوی خیلی از او می‌ترسد. اگر قوام، رزم‌آرا را روی کار نمی‌آورد به‌طور کامل حذف می‌شد یا کسی مانند قری که زندانی می‌شود. می‌توان افراد زیادی را نام برد که تحت سلطه استعمار کار می‌کردند و هیچ تعهدی به‌کار خودشان نداشتند.

می‌توانید نام افراد بیشتری را ذکر کنید؟ کسی مانند علی امینی اصلاً عضو سیا است اما به‌دلیل اینکه یک شأن تخصصی برای خودش قائل است غربیها هم به او توجه دارند. غربیها می‌گویند اگر می‌خواهیم جلوی این تهدیداتی که علیه سلطه خودمان هست را بگیریم حتماً باید یک رفورمی در ایران صورت بگیرد بعد علی امینی را به شاه تحمیل می‌کنند اما بلافاصله شاه که می‌ترسد مبادا علی امینی گزینه مطلوب آمریکاییها بشود، می‌رود قول می‌دهد که هرچه از علی امینی می‌خواهید من انجام می‌دهم آمریکاییها می‌پذیرند و علی امینی از دایره قدرت حذف می‌شود.

یعنی امینی را نه تخصص و نه تعهد ماندگار نکرد؟ همینطور است، البته تعهد که نداشت بلکه تعهد به بیگانه داشت و میلی‌بیند که بعد از کودتای ۲۸ مرداد رشوه کلانی از آمریکاییها می‌گیرد و قرارداد کنسرسیوم را منعقد می‌کند. درواقع علی امینی تعهدی به ملت ایران ندارد اما برای خودش یک شانی قائل است چراکه یک قابلیت علمی و تخصصی دارد همین امر برای محمد رضا پهلوی که نه قابلیت علمی دارد نه قابلیت شخصیتی دارد برای آمریکاییها همین شخص مطلوب است. اصلاً سلطه هرگز انسان قوی ولو

انسائلهای وابسته به خودش را نمیپذیرد چرا چون سلطه یک شتاب دارد و می‌خواهد حداکثر بهره‌برداری را داشته باشد. سلطه برخلاف فترت بشر است یک پدیده غیر عرف است. سلطه چون یک امر غیر معمول است و خیلی برای خودش دوامی قائل نیست و همیشه نگران است که یک خیزشی صورت بگیرد علیه سلطه لذا می‌خواهد افرادی را پیدا کند که در این فرصت بیشترین بهره را بهش بدهد یک فرد متخصص ولو وابسته آن منافع حداکثری را برای سلطه برآورده نمیکنند و یک جاهای آن شخص براساس تخصص خودش اجازه هر کاری نمیدهد و هشدار میدهد که این کار شما غیر منطقی است مثلا در خاطرات ابتهاج او به آمریکاییها میگوید این چیزی که شما مطالبه میکنید بهلنفعتان نیست بگذارید بخشی از پول نفت خرج این ملت بدبخت شود چراکه این موضوع منجر به قیام ملت ایران خواهد شد این نه بهلخاطر این است که ابتهاج متعهد است به ملت ایران بلکه میگوید روزی ملت ایران قیام خواهد کرد و شما را پس خواهد زد همانگونه که در خاطراتش اشاره میکند و میگوید من با آمریکاییها دعوا کردم و گفتم این کار به ضرر خودتانجام ندهید و این موضوع درباره دیگر رجال متخصص عصر پهلوی صدق میکند. این افراد می‌خواهند بگویند که ما دلسوز شما آمریکاییها هستیم و بهلنوعان یک کارشناس به شما نشان می‌دهیم که کدام کار به ضرر شماست اما آمریکاییها گوش نمیدهند چون منافعشان از حداکثر می‌آید به حداقل و می‌خواهند در مدتی که هستند نفت و ثروت این کشور را هرچه بیشتر غارت کنند. لذا خیلی از افراد متخصص دوران پهلوی در پیش پای محمد رضا شاه قربانی میشوند. یعنی آمریکاییها در جهت فربه کردن استبداد این افراد را پیش پای پهلوی قربانی میکنند.

ادامه دارد . . .

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۲۲۷۰۴/تعهدي-وجود-تخصصي-نه-پهلوي-دوران/۲۲۷۰۴>